



حساسیت فصلی دولت

نقش غاز در صدور مجوز

شهاب پاک‌نگر، فاطمه تهرانی /

ما نمی‌دانیم که این دولت چه پدرکشتگی‌ای با اقتصاد ایران دارد که با این برجام و علی‌الخصوص روحش کاری کرده، مردان اقتصاد ما یکی‌یکی دارند بدبخت می‌شوند. مثلاً ما خودمان یک فامیل داریم که شغل شریف واردات دارو داشت و با این کار هم ارتزاق می‌کرد و هم جان کلی انسان را نجات می‌داد، همیشه هم برای اینکه کسی لنگ نماند سه چهار کانتینر دارو را احتکار می‌کرد، اما امضای برجام باعث شد به در یوزگی بیفتد و دیگر نتواند کمر راست کند.

در این بین تنها قشری که توانسته بودند از برجام جان سالم به در ببرند همین زحمت‌کشان عرصه تولید، دلالی و فروش خودرو بودند که آن هم هر روز دولت یک بامبول جدید برایشان می‌سازد و سعی می‌کند آن‌ها را به زمین بزند. به‌طور مثال همان‌طور که احتمالاً می‌دانید دولت اخیراً نمایندگی‌های فروش خودرو را آماج حمله‌های خصمانه‌ی خود قرار داده و گیر داده است که خودروفروش‌ها باید حتماً مجوز بگیرند.

هرچند ممکن است دولت به خاطر انجام این کار با ما برخورد کند، اما چون خیر و صلاح خودروفروش‌ها را می‌خواهیم ریسکش را به جان می‌خریم و بهشان توصیه می‌کنیم که تحت هیچ شرایطی سراغ مجوز گرفتن نروند. این توصیه‌ی ما ابعاد آشکار و پنهان بسیاری دارد که در ادامه برخی از این ابعاد پنهان را ذکر کرده‌ایم:

ب

خودروفروش‌ها نباید به دولت اجازه‌ی دخالت در امورشان را بدهند. امروز دولت بهشان می‌گوید بروید مجوز بگیرید، لابد پس‌فردا هم می‌خواهد بگوید بیا بید مالیات بدهید! پس شرم و حیا چه می‌شود؟ حمایت از فروشنده‌ی ایرانی کجا می‌رود؟ درست است که ما همه‌مان ایرانی هستیم و خون پاک آریایی کلا متین و باوقار است، اما شرکت‌های خودروفروش فراموش نکنند که نباید با متانت و حجب و حیای بیش از حد کاری کنند که دولت بر دوششان سوار شود.

ج

عده‌ای نگران هستند که اگر مجوز نگیرند، بعداً چطور بازخواست‌های دولت را پاسخ بدهند و یک جوری برخورد می‌کنند که انگار دولت ما منطق سرش نمی‌شود. اگر شرکت‌های فروش خودرو بیابند خیلی شفاف به دولت بگویند که می‌خواستند مجوز بگیرند، حتی یکی دوتا مجوز هم مدنظر داشتند اما نشد، دولت قانع می‌شود و کاری به کارشان ندارد. حتی خود دولت هم می‌داند فضای نمایندگی‌های فروش برای مجوز آماده نیست، برای همین اگر صرفاً برای تایپ و کپی مدارک و بازکردن حساب بانکی یکی دوتا مجوز هم داشته باشند، دولت خیلی هم خوشحال می‌شود.

الف

شما ممکن است فکر کنید که مجوز گرفتن یک پروسه‌ی فرهنگی است؛ یا اگر لازم باشد که برای گرفتن این مجوز دولا شوید و برخی مبالغ را از زیر میز به افراد پرداخت کنید، ممکن است که خیال کنید این کار، یک پروسه‌ی اقتصادی است؛ اما حقیقت این است که مجوز گرفتن در همه جای دنیا ابزاری است که سیاستمداران با آن، مردم را بازیچه کرده تا برای خود محبوبیت کسب کنند. مثلاً در همین انتخابات اخیر که در یکی از کشورهای همسایه برگزار شد، یکی از خوانندگان زیرزمینی و طرفدار محیط زیست که برای افزایش آگاهی افراد نسبت به زیست بوم خود از طرفدارانش خواسته بود از خودشان فیلم بگیرند و صدای غاز در بیاورند، به امید گرفتن مجوز و انتقال از زیرزمین به روی زمین، به دیدار یکی از کاندیداهای انتخابات آن کشور رفت. همه‌ی شما می‌دانید که نتیجه‌ی این دیدار چه بود، نه تنها آن خواننده مجوزی دریافت نکرد، بلکه اکوسیستم نیز به‌طور کلی دچار مشکل شد و غازها یا مهاجرت کردند یا رفتند یک گوشه و برای خودشان سیگار کشیدند.

با همه‌ی این اوصاف، پیشنهاد قاطع ما به خودروفروش‌ها این است که تحت هیچ شرایطی تن به گرفتن مجوز ندهند. البته تجربه نشان داده که کلاً این گیر دادن‌ها یک موجی است که مثل آلرژی فصلی می‌آید و می‌رود ولی در بدترین حالت ممکن است که دولت از آن‌ها شکایت کند و آن‌ها را به دادگاه بخواند، که در مورد این موضوع هم اصلاً جای نگرانی نیست. زیرا امروزه دیگر دادگاه رفتن خرج خاصی ندارد، یک زنبیل پلاستیکی قرمز رنگ می‌خواهد که هزینه‌ی آن را هم خودروپلاس تأمین می‌کند.